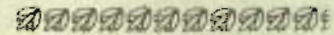


# آیدمی موسیقی



سخن درباره اثرات نامطلوب موسیقی فراوان است در این مقاله سعی شده است تجزیه و تحلیلی کوتاه روی اثرات منفی بهداشتی و اخلاقی و اجتماعی انجام گیرد.

درباره اثر موسیقی روی دستگاههای مختلف بدن مطالعات و تجربیاتی صورت گرفته و حاصل تحقیقات آنها این است که برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند موسیقی از نظر بهداشت هیچگونه فایده حقیقی و طبیعی ندارد بلکه اثر سوء آن روی هر یک از اعضای بدن خیلی مشخص و خطرناک می‌باشد.

گروهی ظاهرین برای موسیقی يك رشته خواص ظاهری از قبیل: رفع خستگی و ایجاد تهرک! تصور نموده اند، ولی باید توجه کرد که این نوع آثار و خواص مشابه اثر مخدرات و مسکرات و افیون می‌باشد و هرگز ریشه واقعی و حقیقی ندارد، حتی گاهی گفته می‌شود موسیقی شیرگاو را بطور

مصنوعی زیاد می‌کند و ولی این اثر نیز يك اثر غیر طبیعی و در بر تو بهم خوردن تعادل داخلی بدن گاوها انجام می‌گیرد حتی يك چنین شیرالطبیعی و مطلوبی نخواهد داشت!

مهمترین اثر سوء موسیقی تلف اعصاب است. آهنگهای شورانگیز موسیقی که در ظاهر شخص را به نشاط و هیجان می‌آورد، در باطن از جان او ساقط گرفته و روح و اعصاب او را فرسوده و ضعیف میکند. بنقیده یکی از دانشمندان آمریکایی بهترین و دلکشترین نواهای موسیقی شورترین آثار دارای اعصاب انسان می‌بخشد اشخاصی که زیاد با موسیقی سر و کار دارند از سلامت روحی محرومند. آنان اغلب

دچار ناراحتیهای نکره و روانی و افکار مالمیخویایی و جنون میگردند.

از لغاشات موسیقی همچنین باعث برهم زدن تعادل اعصاب نباتی میگردد. در نتیجه اعمال دستگاههای گوارشی و قلب دچار اختلال میشوند و شخص را به بیماریهایی نظیر زخم معده، سوء هاضمه، فشارخون و طبش قلب مبتلا میسازد.

بنا بر عقیده عموم دانشمندان و دانشمندان همچنان ناشی از موسیقی سرچشمه بسیاری از امراض خطرناک جسمی و روحی می‌باشد.

بنا توجه به زندگی و سرنوشت موسیقیدانهای جهان و کسانی که زیاد از موسیقی لذت میبرده اند معلوم میشود که اولاً این اشخاص در زندگی کمتر از نشاط حقیقی و سلامتی روحی و جسمی بهره‌مند بوده اند و در ثانی اغلب آنها به مرگهای غیر طبیعی محکوم شده اند. البته ممکن است در این مورد استثنائی موجود داشته باشد.

آنچه مسلم است اینست که موسیقیدانها که برای مدت طولانی در این مشاغل زندگی محروم می‌باشند.

زبانهای اخلاقی و اجتماعی موسیقی: بنا بر آنچه در مورد مضرات بهداشتی آن گفته شد، اثر مخرب و زیاده‌آلود اجتماعی آن روشن میگردد. زیرا ارزش واقعی و اهمیت انسان در جامعه به داشتن اعصاب سالم، فکر صحیح، عواطف پاک و اراده متین است. موسیقی اعصاب و قوای عقلانی را ضعیف کرده و او را به اختیالات و در انسان ایجاد میکند. قوه تمرکز فکری را سست و آرامش خاطر را بریشان مینماید. احساسات نوع درونی، و عواطف پاک که از

مجاایای انسانی است در اشخاصیکه زیاد با لهو و لعب و موسیقی سر و کار دارند ارزش خود را از دست می‌دهد و به يك حالت خود خواهی و بی اعتنائی مبتلا می‌گردد. ازاده و ثبات رأی نیز که سلاحی مؤثر در برابر مشکلات زندگی است در اثر موسیقی دستخوش فتور و بی ثباتی میگردد. موسیقی قبح مفاسد اخلاقی و افعال زشت را از بین می‌برد و انسان را به ارتکاب آنها تشویق میسازد. بالاخره موسیقی واقعتاً زندگی را دگرگون جلوه داده و در انسان آرزوها و هوسهای غیر عملی و غیر حقیقی ایجاد نموده و باعث تولید روح پأس و بدبینی و نا رضائی از زندگی میشود.

در جوامعی که موسیقی زیاد رواج دارد طبقاتیهای اخلاقی و بی بندوباری فراوانی در افراد بروز میکند که باعث برهم خوردن تعادل و نظم اجتماع میشود ایجاد حزب سسکس، و گروه برهنگان، وهیبه گری و تهیه فیلمها و صحنه‌های چندش آور و کارهای جنون آمیز دیگر بیشتر مولود افراط در عیاشی و مختل شدن سیستم کنترل اعصاب و قوای عقلانی می‌باشد.



**حکومت موسیقی بر وسایل ارتباط جمعی:**

جای بسی تأسف است با اینکه امروزه بی‌بهره‌ای به اثرات نامطلوب موسیقی برده شده است و اثرات سوء آن همانند مشروب و قمار بر همگان روشن گردیده است بجای اینکه در کنترل آن اقدامی بشود برعکس روز بروز نه‌تایت کوشش در انتشار نوسه آن مصروف میگردد. مخصوصاً در برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی موسیقی بتدریج «قسمت اعظم» برنامه‌های

و آزمایشهای لازم ثابت کرده است که یکی از عوامل

مهم خستگیهای روحی فکری و سرردهای عصبی گوش دادن به موسیقی رادیو است مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن دقت و توجه میکنند.

از نظر مردم هم آنها نمیخواهند رادیو که يك وسیله اجتماعی است که با پول آنها درست شده است نمیتوان در جهت پیشرفت اجتماع استفاده‌های شایانی از آن نمود لفظ مصروف بخش موسیقی باشد. مردم انتظار استفاده‌های بهتر و بیشتری از رادیو دارند.

مصالح اجتماعی و رفاه مردم ایجاب می‌کند که برنامه رادیو همانند کتب و نشریات مقید بیش از هر چیز در بالا بردن سطح فکر و معلومات و اخلاق جامعه بکار رود. باید بوسیله رادیو و با همکاری دانشندان و متخصصین برنامه زندگی را بر مردم یاد داد آنها را بمقررات و فواید همکاری، تعاون و رعایت مصالح عمومی آشنا نمود. قوانین مدنی و اجتماعی را با بیانی مستدل و ساده با آنها گوشزد کرد، مسجایای اخلاقی را در افراد تقویت نمود و مضرات و مفاسد اخلاقی را آشکار ساخت. با استفاده از اهل فن اطلاعات مربوط به امور فنی، تجارت و کشاورزی را توسعه و ترویج نمود.

آنها را اشغال نموده است.

در انتقادی که سال گذشته از برنامه رادیو مشهد بخاطر بخش زیاد موسیقی شد یکی از مسؤولان، بخش موسیقی را مهمترین برنامه رادیو دانست و اظهار داشت که برای استفاده مردم و موافق ضابطه کلی و جهانی باید هشتاد درصد از اوقات بخش برنامه رادیو به موسیقی اختصاص داده شود!

بدیهی است این ادعا نمیتوانی به نحو یزدانشندان و روانشناسان است و نه طبق خواست و مصالح اجتماع می‌باشد. «دکتر الکسیس کارل» که از نوایغ جهان بشری و از روانشناسان و جامعه شناسان است میگوید **الکلیسم کارگران ما را از یاد می‌آورد و رادیو و سینما و ورزشهای نامناسب، روحیه فرزندانمان را تباه میکند!**

**«دکتر گوالدو این»** از تغییر فشار خون در اثر شنیدن چندین قطعه موسیقی از رادیو تعجب میکند و بالاخره برای اینکه دچار خطر نشود پیچ رادیو را می‌بندد.

**«دکتر آرنولد فریمانی»** پزشک بیمارستان نیویورک با کمک دستگاههای الکتریکی

### پیمان خودکشی

دو کودک چهارده ساله در شهر «مادرا» در ایالت کالیفرنای آمریکا که گویا بر طبق يك پیمان خودکشی، به زندگی خود خاتمه داده‌اند، نامه‌های مشابهی از خود بجای گذاشته‌اند که میگوید «هنگامی که شما این نامه را بخوانید کار تمام شده، ما میخواهیم باین زندگی سگی خاتمه دهیم» **از کیهان**

مکتب اسلام - هنگامی که زندگی تو خالی و فاقد روح ایمان و هدف

بود به گفته این هم پیمانها، زندگی «سگی» خواهد بود و ترک گشتی؟